



صنعت

پتروشیمی
ایران بیش از
هر زمان دیگری
نیازمند یک نهاد
حامی واحد،
قوانین پایدار،
سیاست‌های
هماهنگ
و رویکردی
راهبردی است؛
در غیر این
صورت، ادامه
روند کنونی به
معنای فرسایش
تدریجی یک
صنعت راهبردی
و از دست
رفتن جایگاه
تاریخی ایران
در بازار جهانی
پتروشیمی
خواهد بود

قانونی تغییر کند، اما همان پروژه در عمان با تعهدات ۲۰ یا ۲۵ ساله پیش می‌رود، گزینه امن‌تر را انتخاب می‌کند. این ضربه‌ای به اعتبار سیاست‌گذاری در ایران است و برگشت اعتماد، شاید ۱۰ تا ۲۰ سال زمان بخواهد.

هنگامی که معافیت‌ها حذف می‌شود و هزینه‌های مناطق ویژه بالاتر می‌رود، نتیجه‌اش کاهش سرمایه‌گذاری است. مناطق ویژه اساساً برای توسعه صادرات طراحی شده‌اند و صادرات یک رکن مهم اقتصادی در هر کشور است. اما وقتی سرمایه‌گذار می‌بیند نه تنها مشوقی وجود ندارد، بلکه هزینه‌های جدید هم به او تحمیل می‌شود و در نتیجه فرار سرمایه اتفاق می‌افتد.

■ آیا افزایش قیمت خوراک در سال‌های اخیر سیاستی عادلانه بود؟

وضعیت قیمت خوراک پتروشیمی‌ها نیز در همین دوره دستخوش تصمیمات غیرکارشناسی شد. دولت برای جبران کسری بودجه، به جای اصلاح ساختار یا کنترل هزینه‌های خودش، به سراغ گران کردن خوراک صنایع رفت. این افزایش قیمت‌ها بدون محاسبات اقتصادی دقیق بود و در بسیاری از مقاطع قیمت خوراک از سطح منطقی و رقابتی بالاتر رفت.

به عنوان مثال، صنعت متانول در سال‌های اخیر به شدت تحت فشار قرار گرفت. بسیاری از واحدها زیان‌ده شدند. این صنعت زمانی یکی از سودآورترین صنایع پایین‌دستی بود، اما امروز به دلیل سیاست‌های قیمت‌گذاری، دیگر سودده نیست. هنگامی که قیمت خوراک از سطح منطقی بالاتر می‌رود، تولید بسیاری از محصولات دیگر صرفه اقتصادی ندارد و این به معنای از دست دادن بازارهای صادراتی است.

■ صادرات محصولات پتروشیمی با چه چالش‌ها و موانعی مواجه است و این عوامل چه تأثیری بر توسعه پایدار صادرات این صنعت دارند؟

چالش‌های صادرات چندبعدی است. از یک سو، مشکلات ناشی از تحریم‌ها سبب شده دسترسی به کشتی‌های مناسب برای حمل محصولات با محدودیت مواجه شود و از سوی دیگر، انتقال درآمدهای صادراتی به دلیل محدودیت‌های بانکی، گاهی ماه‌ها به طول می‌انجامد. ما در عمل مجبور به تحویل محصولات در مقصد یا صادرات محموله‌ها با چند واسطه و تغییر مسیرهای متعدد کشتی‌ها هستیم که این کار هزینه لجستیک را چندبرابر کرده است.

افزون بر این، انتقال پول بزرگ‌ترین مانع صادرات است. شرکت‌های پتروشیمی از نظر تولید هیچ مشکلی ندارند؛ در تولید کاتالیست‌ها، تجهیزات یدکی و حتی ساخت مجتمع‌های جدید پیشرفت چشمگیری داشته‌ایم. امروز تقریباً ۸۵ درصد تجهیزات جدید ساخت داخل است. اما دریافت پول صادرات، به دلیل نبود کانال بانکی رسمی، گاهی ماه‌ها طول می‌کشد و در برخی موارد بخشی از پول اصلاً قابل وصول نیست.

■ قیمت‌گذاری در بورس کالا و مسأله

نرخ ارز را چگونه تحلیل می‌کنید؟
قیمت‌گذاری در بورس کالا در حالت طبیعی سازوکار مناسبی است. قیمت پایه براساس نشریات معتبر جهانی، هزینه حمل و تخفیف مشخص تعیین می‌شود. اما مشکل از جایی شروع می‌شود که نرخ ارز دولتی و آزاد اختلاف زیادی پیدا می‌کند. این اختلاف، انگیزه قاچاق معکوس را ایجاد می‌کند.

تاریخی ایران در بازار جهانی پتروشیمی خواهد بود. در ادامه تقی صانعی برای درک دقیق‌تر مشکلات صنعت پتروشیمی به برخی سؤالات پاسخ می‌دهد.

■ با توجه به سابقه قابل توجه شما در صنعت پتروشیمی، لطفاً در ابتدا دیدگاه کلی خود را درباره وضعیت کنونی این صنعت بیان کنید؟

سال‌هاست در حوزه پتروشیمی فعالیت می‌کنم و به‌طور مستقیم با فضای تولید، سرمایه‌گذاری، صادرات و چالش‌های واقعی این صنعت درگیر بوده‌ام. شاید مهم‌ترین موضوعی که باید در همان ابتدای بحث به آن اشاره کنم این است که صنعت پتروشیمی در ایران در عمل روی مجموعه‌ای از قوانین و سیاست‌هایی بنا شده بود که طی سال‌ها نوعی ثبات نسبی برای سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کرد، اما این ثبات در چند سال اخیر به شدت تضعیف شده است.

آنچه امروز شاهد آن هستیم، یک «زنجره بدون حامی» است. صنعتی که باید موتور محرک اقتصاد غیرنفتی باشد، اما به دلیل ناسازگاری سیاست‌های مختلف، نتوانسته به ظرفیت کامل خود دست یابد. تغییرات ناگهانی در سیاست‌های مالیاتی، قیمت‌گذاری، معافیت‌ها، قوانین مناطق ویژه و همین‌طور مداخلات و فشارهای مختلف، همگی سبب شده‌اند اعتماد سرمایه‌گذاران چه داخلی و چه خارجی به شدت آسیب ببیند.

■ حذف معافیت‌های مالیاتی در مناطق ویژه چه تأثیری بر سرمایه‌گذاری در این مناطق داشته است؟

این یکی از آسیب‌زننده‌ترین تصمیمات اخیر بوده است. شرکت‌های پتروشیمی با محاسبات اقتصادی دقیق و بر اساس قوانین ثابت مناطق ویژه، میلیاردها تومان در این مناطق سرمایه‌گذاری کرده بودند. زمانی که ناگهان معافیت‌های مالیاتی حذف شد، اساس محاسبات اقتصادی این شرکت‌ها به هم خورد.

شرکت‌های پتروشیمی به دلایلی مشخص در مناطق ویژه اقتصادی مستقر شدند. این مناطق از ابتدا طراحی شده بودند تا سرمایه‌گذاران به دلیل معافیت‌های مالیاتی، سهولت واردات تجهیزات، تسهیل صادرات و زیرساخت‌های بندری و لجستیکی به آنجا بروند. هزینه فعالیت در مناطق ویژه بسیار بالاست و سرمایه‌گذار با این منطق وارد می‌شد که بخشی از این هزینه‌ها در مقابل معافیت‌های مالیاتی جبران می‌شود. اما متأسفانه دو سه سال پیش، دولت به دلیل کسری بودجه، تصمیم گرفت بخش عمده این معافیت‌های مالیاتی را حذف کند. این تصمیم فوراً و مستقیماً به شرکت‌هایی که با محاسبات اقتصادی مشخص در این مناطق سرمایه‌گذاری کرده بودند، ضربه زد. برخی از این شرکت‌ها میلیاردها تومان هزینه کرده بودند تا مطابق قوانین دائمی مناطق ویژه فعالیت کنند؛ اما ناگهان همان قوانین زیر پا گذاشته شد. این بی‌ثباتی نه تنها سرمایه‌گذاری خارجی را کاملاً متوقف کرد، بلکه سرمایه‌گذاران داخلی را نیز از ادامه حضور در مناطق ویژه منصرف کرد.

■ این توقف سرمایه‌گذاری چه نتایجی

در برداشته است؟

امروز شاهد خروج سرمایه از کشور و انتقال پروژه‌ها به کشورهای همسایه هستیم؛ کشورهایی مثل عمان که تسهیلات بسیار گسترده، معافیت‌های واقعی و حمایت‌های پایدار ارائه می‌کنند. طبیعی است که سرمایه‌گذار عاقل زمانی که ببیند در ایران هر لحظه ممکن است

